

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان

یاسمن دمیرچی

کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

افشین صلاحیان*

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط زیست بود. در این طرح توصیفی تحلیلی، تعداد ۱۸۰ نفر کارمند خانم متأهل و شاغل در سازمان حفاظت محیط زیست، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک مرحله‌ای انتخاب شده بودند، به سؤالات آزمون‌های سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰)، مقیاس نگرش‌های عشق لی (۱۹۸۶)، آزمون رضایت جنسی لارسون (۱۹۹۸) و مقیاس احساس تنهایی بزرگسالان راسل (۱۹۸۰) پاسخ دادند. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از روش آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره) و نرم افزار SPSS. V (۲۳) تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحلیل داده‌های به‌دست آمده نشان داد که در میان سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی اجتنابی رابطه معناداری با احساس تنهایی دارد ($p < 0/05$). همچنین سبک عشق استورگ نیز با احساس تنهایی رابطه معنادار داشته و هر دو متغیر پیش‌بینی معناداری برای احساس تنهایی در زنان داشتند، ولی رضایت جنسی رابطه معناداری با مؤلفه احساس تنهایی برقرار نکرده و پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی نبود. این یافته‌ها از نیاز به تمرکز بر عوامل دلبستگی و عشق با احساس تنهایی حمایت می‌کند.

واژگان کلیدی

سبک دلبستگی، سبک عشق، رضایت جنسی، احساس تنهایی، زنان

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۲/۱۱

DOI: 10.22051/jwsp.2018.18129.1603

مقدمه و بیان مسأله

احساس تنهایی^۱ از جمله سازه‌های پیچیده‌ای است که از زمان قدیم فلاسفه درباره آن بحث کرده‌اند (د جونگ و همکاران، ۲۰۱۶). در آن زمان احساس تنهایی یک مفهوم مثبت به معنای کناره‌گیری داوطلبانه فرد از درگیری‌های روزمره زندگی برای رسیدن به اهداف والاتر (مانند تعمق، مراقبه و ارتباط با خداوند) تلقی می‌شد. اما امروزه در متون روان‌شناختی به احساس تنهایی، به طور مثبت توجه نمی‌شود، بلکه آن را حالتی در نظر می‌گیرند که در آن فرد، فقدان روابط با دیگران را ادراک و تجربه می‌کند و شامل عناصر اصلی و مهمی مانند احساس نامطلوب فقدان یا از دست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط از دست رفته و از دست دادن سطح کیفی روابط با دیگری است (پرون و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس بسیاری از تعاریف، تجربه‌ای آزاردهنده و پریشان کننده است که مشکلات روان‌شناختی و جسمانی شدیدی را به دنبال دارد. تنهایی حالتی ناراحت کننده است و زمانی به وجود می‌آید که بین روابط بین فردی که فرد تمایل دارد آن را داشته باشد و روابطی که او در حال حاضر دارد، فاصله وجود داشته باشد (تاف و همکاران، ۲۰۱۸). وود (۱۹۸۶) اینگونه استدلال می‌کند که احساس تنهایی یک هیجان بنیادی و قوی‌ترین تجربه انسانی است. او باور دارد که احساس‌های تداعی شده با احساس تنهایی، عدم وجود روابط اجتماعی مناسب را به فرد گوشزد می‌کند (لی و کو، ۲۰۱۷). گستردگی ماهیت احساس تنهایی، بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته تا علاوه بر تعریف و مفهوم‌سازی و ارتباط آن با سایر متغیرها و مشکلات، به مطالعه ساختار عاملی و شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده آن اقدام کنند (اوتز و همکاران، ۲۰۱۳). تلاش‌هایی که به منظور اندازه‌گیری احساس تنهایی انجام شده، بیان‌کننده تنوع و اختلاف نظر پژوهشگران در این زمینه است که به دو رویکرد متفاوت منتهی شده است. در یک رویکرد مقیاس‌های کلی و تک بعدی، احساس تنهایی را به منزله یک پدیده واحد در نظر می‌گیرند و بر اشتراکاتی تمرکز دارند که علت اصلی تجربه احساس تنهایی در افراد به حساب می‌آیند. در رویکرد دیگر، اندازه‌های چند بعدی سعی دارند بین تظاهرات مفروض احساس تنهایی تمایز ایجاد کنند (وونگ و همکاران، ۲۰۱۶). نخستین بار ویس (۱۹۷۳) احساس تنهایی را با دو

ویژگی انزوای هیجانی^۱ و انزوای اجتماعی^۲ معرفی کرد. انزوای هیجانی بر تعداد نامناسب یا فقدان دلبستگی‌های خانوادگی، دوستانه و ارتباطی دلالت دارد، در حالی که انزوای اجتماعی به وسیله فقدان شبکه‌های اجتماعی در دسترس ایجاد می‌شود و با تعداد نامناسب دوستان در ارتباط است (وان بارسن و همکاران، ۲۰۰۱). ناهماهنگی و اختلاف در تعیین عوامل، ابعاد، مؤلفه‌ها و ساختار عاملی احساس تنهایی، علاوه بر اینکه متأثر از مبانی نظری و زیر بنایی متفاوت این سازه است، تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی افراد و گروه‌های مورد مطالعه نیز قرار دارد. بررسی پژوهشگران مستقیماً بر جنبه‌های بین فرهنگی احساس تنهایی و نیز سه نکته با ارزش تأکید دارند. نخست اینکه اندازه‌گیری احساس تنهایی بر اساس فرهنگ محدود می‌شود؛ دوم اینکه شیوع احساس تنهایی در کشورهای مختلف متفاوت است و سرانجام، نیرومندی حداقل یکی از پیش‌بین‌های احساس تنهایی در کشورهای مختلف یکسان نیست (اندرسون، ۱۹۹۹). احساس تنهایی همچنین با برخی ویژگی‌های روان‌شناختی مانند تکانشگری، پرخاشگری، درون‌گرایی، عزت نفس پایین، خجالت، شرم و اسناد بیرونی موفقیت‌ها مرتبط است (روتنبرگ و همکاران، ۲۰۰۴). احساس تنهایی تجربه‌ای همگانی است و همه آدمیان صرف نظر از جنس، سن، استعداد، مذهب و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در دوره‌ای از زندگی خود آن را تجربه می‌کنند و اوج احساس تنهایی معمولاً در نوجوانی تجربه می‌شود (استیکلی و همکاران، ۲۰۱۴). علوم روان‌شناسی و اجتماعی اهمیت درک احساس تنهایی را به وسیله مطالعات انجام شده در این حوزه شناسایی کرده است.

با این حال، پژوهشگران توجه خود را بیشتر بر عواملی همچون رضایت از زندگی، عزت نفس و سبک‌های هویت متمرکز کرده‌اند؛ در حالی که عوامل ذکر شده از مؤلفه‌های دارای اهمیت در بررسی احساس تنهایی هستند، از جمله متغیرهای دیگر سزاوار توجه فزاینده، می‌توان به سبک‌های دلبستگی، سبک‌های عشق و رضایت جنسی اشاره کرد (آکدوگان، ۲۰۱۷). دلبستگی یکی از مفاهیم تحولی بسیار مهم در جریان رشد انسان است. اولین بار بالبی این موضوع را برای تبیین ارتباط بین کودک و مراقبان اصلی مطرح کرد. بالبی بر این عقیده بود که نظریه دلبستگی تنها یک نظریه کودک نیست، بلکه نظریه تحول در فراخانای زندگی نیز است.

1. Emotional isolation

2. Social isolation

این نظریه معتقد است نوع رابطه مادر و کودک در سال‌های اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی به مادر، میزان حمایت مادر در هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه گاه ایمن بودن مادر برای کودک سبک دلبستگی فرد را معین می‌کند (دیتومسوا و همکاران، ۲۰۱۵). بعد از او، اینزورث سه سبک دلبستگی کلی را معرفی کرد: ۱. سبک دلبستگی ایمن؛ ۲. سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و ۳. سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا. هازان و شاور از نظریه سبک‌های دلبستگی بالبی و اینزورث برای توجیه و تبیین روابط اجتماعی، عاشقانه و جنسی در دوران نوجوانی و بزرگسالی استفاده کردند (گولدبرگ، مویر و کر، ۲۰۱۳). از نظر آن‌ها سبک‌های دلبستگی بازنمایی ذهنی از خود و دیگران را انعکاس می‌دهند و به جهت‌گیری‌های مختلف در ارتباطات نزدیک منجر می‌شوند که نه تنها در کودکی، بلکه در بزرگسالی هم نقش بسیار اساسی در برقراری ارتباط با دیگران دارند. فوگل نیز اظهار می‌دارد که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از دو طرف کوشش می‌کند، نزدیکی و مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه پیدا می‌کند (بلسکی و نوورسکی، ۲۰۱۵). ساختار خانواده در ایجاد و پرورش پیوستگی خانوادگی مؤثر بوده و متعاقب آن ایجاد کننده محیط‌های امن عاطفی است. سبک‌های دلبستگی، تمایل افراد به برقراری نوعی رابطه نزدیک با افرادی معین و داشتن احساس امنیت بیشتر است (علی اکبری و همکاران، ۱۳۹۳). بالبی بر این باور است که این گره‌های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک می‌انجامد، نخستین تجلی‌های دلبستگی فرد محسوب می‌شود. دلبستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است و لذا به نظر می‌رسد بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی بر احساس تنهایی بی‌مورد نباشد (عیدی و خانجانی، ۱۳۸۴).

از دیگر عوامل مرتبط با احساس تنهایی، سبک‌های عشق است. عشق واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای شیفستگی، دلدادگی، دلبستگی و دوستی مفرط است (عمید، ۱۳۶۱) و به صورت اعم به معنای (۱) احساس مهر و علاقه زیاد؛ (۲) دوستی قوی؛ (۳) جذابیت جنسی (رایبسون و دیویدسن، ۲۰۰۰) و به‌طور کلی یک احساس قوی، مهر و علاقه به کسی یا چیزی است. به‌علاوه، برخی اعتقاد دارند که عشق همانند رفتار آدمی قابل پیش‌بینی است، ولی نباید آن را نشانی از شخصیت دگرگون‌بنداریم و به‌علاوه به دنبال روش‌های نوین برای پیش‌بینی

آن نیز باشیم (بوسکالیا ۱۹۸۰، ترجمه هوشیاری فر ۱۳۷۲). بعضی عشق را به‌عنوان یک نگرش توصیف می‌کنند و افرادی نیز به‌عنوان یک رفتار و حتی به‌عنوان یک هیجان (هنری و صارمی، ۲۰۱۵). بر اساس نظریه سبک‌های عشق لی (۱۹۹۸) هر نوع عشق به یک سبک اولیه و ثانویه مربوط می‌شود. لی می‌گوید که نگرش‌های مختلف نسبت به عشق وجود دارد که از تجارب خانوادگی، عواطف مؤثر و رفتارها نشأت می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را در شش طبقه اصلی زیر قرار داد: الف: سبک‌های عشق ورزی اولیه شامل اروس، لودوس و استورگ^۱؛ ب: سبک‌های عشق ورزی ثانویه شامل پراگما، مانیا و آگپ^۲ (زیگلر هیل و همکاران، ۲۰۱۵). لی (۱۹۹۸) بیان می‌کند، عشاق در صورتی یکدیگر را بهتر درک خواهند کرد که توجه آن‌ها به حقیقی شدن سبک‌های عشق باشد و به اینکه این سبک‌ها برای شریک‌های متفاوت و حتی با همان شریک نیز در طی زمان می‌تواند تغییر کند. در واقع در یک رابطه عاشقانه یک سطح بالایی از برانگیختگی فیزیولوژیکی و میزان بسیار بالایی از استرس و اضطراب وجود دارد. ما در این رابطه به‌همراه میل جنسی زیاد، احساس نیاز و مراقبت را نیز داریم. در مراحل اولیه می‌خواهیم هر قدر که می‌شود زمان بیشتری با هم بگذرانیم و اغلب در یکدیگر جذب می‌شویم (آی کاترینی و همکاران، ۲۰۱۸).

در راستای بررسی متغیرهای ذکر شده، دیگر متغیر مورد بررسی در این مطالعه، رضایت جنسی است. از لحاظ لغوی رضایت جنسی به احساس خوشایند فرد از نوع رابطه جنسی اطلاق می‌شود. در واقع رضایت جنسی عبارت است از خشنودی از رابطه جنسی و پایداری این خشنودی تا رسیدن به اوج لذت جنسی یا همان ارگاسم و انزال (اسپنس ۱۹۹۱، نقل از شاه سیاه و همکاران ۱۳۸۸). با گذشت زمان، فعالیت جنسی کم‌تر محدود شد. مثلاً رابطه جنسی قبل از ازدواج پذیرفتنی‌تر و فراوان‌تر شد. همچنین در دهه‌های گذشته شاهد گرایش تدریجی به شروع رابطه جنسی در سنین پایین‌تر بوده‌ایم. در دهه ۱۹۴۰ در آمریکا، تقریباً ۵۰ درصد از هر دو جنس گزارش کرده‌اند که در سنین ۱۶-۱۷ سالگی رابطه جنسی داشته‌اند (لوپز و سوریانو، ۲۰۱۴). نیکولز تکالیفی را برای رسیدن به مرحله توافق در روابط زناشویی بیان می‌کند که یکی از آن‌ها برقراری رابطه جنسی ارضاکنده برای هر دو طرف است. در واقع

-
1. Eros, Ludus and Storge
 2. Pragma, Mania and Agape

ارضای درست غریزه جنسی یک نیاز طبیعی است که باید به آن پاسخ داده شود و در غیر این صورت ممکن است پیامدهای منفی ای همچون بیماری‌های روانی و جسمی به همراه داشته باشد (نیکولز ۲۰۰۵). رابطه جنسی صحیح به صورت داشتن رابطه سالم، مسئولانه و لذت‌بخش تعریف می‌شود. معیار سالم بودن رابطه جنسی این است که زوجین یکدیگر را در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های مقاربتی قرار ندهند. مسئولانه بودن رابطه جنسی، یعنی ارضای روحی و جسمی همسر نیز مد نظر قرار گیرد و در نهایت رابطه جنسی لذت‌بخش عبارت است از رابطه‌ای که طرفین در طی آن به اوج لذت جنسی دست یابند (کراسوسکی و همکاران، ۲۰۱۸). شاملو (۱۳۸۷) عقیده داشت که اگرچه زندگی سعادت‌مندانه تنها تا اندازه‌ای به روابط لذت‌بخش جنسی بستگی دارد، ولی این روابط، مهم‌ترین علت خوشبختی یا عدم خوشبختی زندگی زناشویی است و اهمیت آن می‌تواند با تأثیر بر افکار و احساسات زوجین، به طور مستقیم یا غیر مستقیم روابط میان آن‌ها را در ابعاد وسیعی تحت تأثیر قرار دهد (نبی پور ۱۳۸۵). با توجه به ابعاد وجودی انسان، از جمله دارا بودن جنبه‌های فردی و اجتماعی، نتایج تحقیقاتی که ویژگی‌های گوناگون انسان را همزمان مطالعه کند، به واقعیت نزدیک‌تر و نتایج آن کاربردی‌تر خواهد بود.

موارد بسیاری وجود دارند که افراد را به دنیای کوچک‌تر و با حس تنهایی بالاتر سوق می‌دهند که از این میان می‌توان به اطلاعات و داده‌های رسانه‌ها، گستردگی شبکه‌های اجتماعی، تغییر سبک زندگی از خانواده‌های بزرگ با فرزندان زیاد به خانواده‌های کوچک‌تر و گرایش به تک فرزندی، علاقمندی افراد به مستقل زندگی کردن بدون حضور و دخالت دیگران و... اشاره کرد. متغیرهایی که در این پژوهش بررسی شده‌اند، از یک سو به جنبه‌های درون فردی و از سوی دیگر به جنبه‌های اجتماعی در انسان توجه می‌کنند. همچنین ضرورت اجرای پژوهش‌هایی از این قبیل، آنجا بیشتر جلوه می‌کند که افراد با حس تنهایی بالا و گاه‌با احساس پوچی به روان‌درمانگر مراجعه کرده و خواستار خلاصی از این احساس آزاردهنده هستند. شاید اگر توجه و حمایت‌های بیشتری از این‌گونه تحقیقات به عمل آید، کمک بزرگی به جامعه جوان آینده شود. با توجه به آنچه اشاره شد، این مطالعه با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط زیست انجام شد.



روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی مبتنی بر طرح‌های همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ۲۹۱ نفر زن متأهل شاغل در ارگان‌های زیرمجموعه محیط زیست در استان تهران (۲۰۴ نفر سازمان حفاظت محیط زیست، ۶۳ نفر اداره کل محیط زیست استان تهران و ۲۴ نفر اداره محیط زیست شهر تهران) بود. نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای تک مرحله‌ای انجام شد و سازمان حفاظت محیط زیست برای انجام پژوهش انتخاب شد و لذا حجم نمونه تحقیق تعداد ۱۸۰ زن متأهل شاغل در سازمان حفاظت محیط زیست است. داده‌ها به وسیله چهار پرسشنامه دلبستگی بزرگسال کولینز و رید^۱ (RAAS)، مقیاس نگرش‌های عشقی لی-فرم کوتاه^۲ (LAS-SF)، پرسشنامه رضایت جنسی لارسون^۳ (ISS) و مقیاس احساس تنهایی راسل^۴ (UCLA) گردآوری شد.

پرسشنامه دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS): کولینز و رید در سال ۱۹۹۰، براساس نظریه هازان و شاور پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید را تهیه کردند. این مقیاس شامل خودارزیابی مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و ۱۸ ماده دارد که از طریق علامت‌گذاری روی مقیاس ۵ درجه‌ای (لیکرت) سنجیده می‌شود که از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) تشکیل می‌شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس مشخص می‌شود که هر مقیاس شامل ۶ ماده است، ۳ زیر مقیاس عبارت هستند از وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب. درباره قابلیت اعتماد مقیاس، کولینز و رید (۱۹۹۰) میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسشنامه در سه نمونه از دانشجویان با حجم نمونه ۱۷۳، ۱۳۰ و ۱۰۰ نفر، در زیر مقیاس‌های ایمن به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸ و ۰/۸۲ در زیر مقیاس اجتنابی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۸ و ۰/۸ و برای زیر مقیاس اضطرابی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ گزارش کردند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸ است، آزمون از اعتبار بالایی بهره‌مند است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت

1. Revised adult attachment scale
2. Love attitude scale-short form
3. Larsson's sexual assistance test
4. Russell's loneliness scale

همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه در میان ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان اجرا شد که به طور تصادفی انتخاب شده بودند. نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیان‌کننده آن بود که این آزمون در سطح ۹۵ درصد دارای اعتبار است (پاکدامن ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب ۰/۸۱، ۰/۷۶ و ۰/۸۲ به دست آمد.

مقیاس نگرش‌های عشقی لی-فرم کوتاه (LAS-SF): این آزمون در واقع فرم کوتاه شده مقیاس نگرش‌های عشق است که در سال ۱۹۸۶، هندریک و هندریک به منظور ارزیابی نگرش‌های افراد درباره عشق ساخته‌اند. فرم کوتاه مقیاس نگرش‌های عشق را در سال ۱۹۹۸ هندریک و هندریک تهیه کرده‌اند. این آزمون یک ابزار ۲۴ عبارتی است و آزمودنی باید مانند نسخه اصلی با در نظر گرفتن رابطه کنونی یا اخیر، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات آزمون در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۵))، مشخص کند. مقیاس کوتاه شده نگرش‌های عشق نیز مانند آزمون اصلی نگرش‌های عشق دارای ۶ زیر مقیاس است یا به عبارت دیگر ۶ نوع سبک عشقی اروس (شهوایی)، لودوس (بازی گونه)، استورگ (دوستانه)، پراگما (منطقی-عملی)، مانیا (ملکی-وابسته) و آگاپه (نوع دوستانه) را ارزیابی می‌کند. تنها تفاوت این آزمون با آزمون اصلی در این است که به منظور راحتی بیشتر آزمودنی‌ها در پاسخ دادن به سوالات و صرفه‌جویی در زمان، در فرم کوتاه به هر زیر مقیاس ۴ عبارت اختصاص یافته است، در صورتی که در فرم بلند هر زیر مقیاس شامل ۷ عبارت بود. هندریک و هندریک (۱۹۸۷)، طی پژوهش‌های اولیه خود آلفای کرونباخ را برای اروس ۰/۷، استورگ ۰/۶۸ و آگپ ۰/۸۳ و از طریق پایایی بازآزمایی، برای مانیا ۰/۷ و برای لودوس ۰/۸۲ به دست آوردند. شش زیر مقیاس فرم کوتاه مقیاس نگرش‌های عشقی لی، همسانی درونی مطلوبی دارند و ضریب آلفای آن‌ها بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۸ گزارش شده است. همچنین پایایی حاصل از روش بازآزمایی نیز در یک فاصله ۷ هفته‌ای برای زیرمقیاس‌های مختلف بین ۰/۷ - ۰/۸۲ بوده است. در پژوهش مونتگومری و سورل (۱۹۹۷)، نتایج پژوهش‌های هندریک و هندریک در سال ۱۹۸۶ تأیید شد. به طوری که آلفای کرونباخ محاسبه شده برای استورگ ۰/۷۱ و برای آگپ ۰/۸۲ بوده است. مطالعات افراد دیگر طی سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۰۷، مدل ۶ عاملی سبک‌های عشق را در فرهنگ‌های مختلف تأیید کرده‌اند. ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش امان‌اللهی (۱۳۸۹) برای اروس ۰/۸۵، لودوس ۰/۵۱، استورگ



۰/۴۰، مانیا، ۰/۵۰ و اگیپ ۰/۸۷ به دست آمده است. در پژوهش حاضر پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و پایایی زیرمقیاس‌ها نیز بین ۰/۷۱ - ۰/۸۴ محاسبه شد.

پرسشنامه رضایت جنسی لارسون (ISS): این پرسشنامه را لارسون و همکاران در سال ۱۹۹۸ تهیه کرده‌اند و دارای ۲۵ سؤال با گزینه هرگز (۱)، بندرت (۲)، گاهی اوقات (۳)، اکثر اوقات (۴) و همیشه (۵) است. طبق این مقیاس پاسخگویان در چهار گروه با رضایت کامل، رضایت نسبی، رضایت کم و عدم رضایت قرار می‌گیرند. در پژوهش لارسون و همکاران (۱۹۹۸)، اعتبار پرسشنامه به روش تحلیل عوامل بارهای عاملی بالای ۰/۳ و میزان پایایی به روش آزمون-بازآزمون نیز ۰/۸۲ محاسبه شد. در پژوهش شمس (۱۳۸۰) پایایی و روایی این آزمون به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۰ گزارش شده است. در تحقیقی دیگر، پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای یک گروه بارور ۰/۹۳ و برای یک گروه نابارور ۰/۸۹ گزارش شد (بهرامی، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد.

مقیاس تجدید نظر شده احساس تنهایی راسل (UCLA): این مقیاس را راسل، پیلو و کاترونا (۱۹۸۰) ساخته‌اند که شامل ۲۰ سؤال (۱۰ جمله با لحن منفی و ۱۰ جمله با لحن مثبت) است که خواننده باید به هر یک از پرسش‌ها روی مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت شامل «هرگز: ۱»، «به ندرت: ۲»، «گاهی: ۳» و «اغلب: ۴» پاسخ بدهد. پایایی این آزمون را به روش بازآزمایی راسل و همکاران، ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. این مقیاس را شکرشکن و میردردیکوند (۱۳۸۷) ترجمه و پس از اجرای مقدماتی و اصلاحات به کار گرفته شد (عسگری، ۱۳۸۸) و نیز در پژوهش مهدی‌یار (۱۳۹۳) پایایی احساس تنهایی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۵ محاسبه شد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه‌ها با استفاده از روش آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره) و نرم افزار SPSS. V (23) تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

در بخش توصیفی، نتایج حاصل از اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان‌دهنده آن بود که بیشترین افراد گروه نمونه در سنین ۳۱ - ۴۰ سال (۴۲/۲ درصد) قرار داشته و دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد (۴۷/۷ درصد) هستند. همچنین مدت زمان تأهل بین ۱ - ۵ سال (۴۱/۶٪)

بیشترین گروه افراد را تشکیل می‌دهند. در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات زیرمقیاس‌های متغیرهای مورد بررسی ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی و احساس تنهایی در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط‌زیست

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد
عشق	اروس	۷/۲۹	۲/۷۷
	لودوس	۱۲/۲۶	۳/۳۱
	استورگ	۸/۸۵	۳/۹۵
	پراگما	۸/۹۰	۳/۰۸
	مانیا	۹/۵۹	۳/۳۴
	آگاپه	۱۱/۵۷	۴/۵۴
رضایت جنسی	رضایت جنسی	۷۱/۹۲	۶/۵۳
سبک‌های دلبستگی	نزدیکی	۱۷/۵۲	۳/۵۱
	وابستگی	۱۸/۰۷	۳/۷۴
	اضطراب	۱۳/۸۵	۴
احساس تنهایی	احساس تنهایی	۵۴/۱۲	۶/۳۱

جدول ۲: همبستگی بین احساس تنهایی و سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی و در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط‌زیست

متغیر	نزدیکی	وابستگی	اضطراب	اروس	لودوس	استورگ	پراگما	مانیا	آگاپه	رضایت جنسی
احساس تنهایی	۰/۰۳۲	۰/۱۹۵**	-۰/۰۰۲	۰/۰۸۵	۰/۱۱۷	۰/۱۸۵*	۰/۰۶۶	-۰/۰۰۷	۰/۰۴۶	۰/۰۸۷

* $P < 0.05$; ** $P < 0.01$

همان‌طور که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، بین شاخص‌های متغیرهای احساس تنهایی و سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط‌زیست همبستگی معناداری وجود دارد. به‌منظور بررسی فرضیه پژوهش از رگرسیون ورود استفاده شد. نتایج معناداری مدل رگرسیون ورود برای بررسی پیش‌بینی احساس تنهایی براساس



سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط زیست در جداول زیر ارائه شده است. در جدول ۳، نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیونی با روش ورود، برای پیش‌بینی احساس تنهایی ارائه شده است.

جدول ۳: جدول تحلیل واریانس مدل رگرسیونی با روش ورود به‌منظور پیش‌بینی احساس تنهایی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig.
رگرسیون	۲۰۹/۵۷	۳	۶۹/۸۵	۲/۰۶	۰/۱۰۷
باقیمانده	۴۹۰۵/۷۲	۱۴۵	۳۳/۸۳		
کل	۵۱۱۵/۳۰	۱۴۸			

جدول ۴: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل رگرسیونی با روش ورود به‌منظور پیش‌بینی احساس تنهایی

مدل	ضرایب غیراستاندارد		T	Sig.	VIF
	B	Std.error			
ضریب ثابت	۵۰/۰۱	۳	۱۶/۶۷	۰/۰۰۰۱	
وابستگی	۰/۳۴	۰/۱۳۹	۲/۴۵	۰/۰۱۵	۱/۱۷

در جدول ۴ نتایج حاصل از ضرایب پیش‌بینی احساس تنهایی توسط زیرمقیاس‌های دلبستگی نشان داده شده است. طبق نتایج، فقط ضریب احساس وابستگی توانسته پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی زنان باشد. در جدول ۵ نیز نتایج حاصل از تحلیل واریانس مدل رگرسیونی به‌منظور پیش‌بینی احساس تنهایی توسط زیرمقیاس‌های عشق ارائه شده است.

جدول ۵: تحلیل واریانس مدل رگرسیونی به‌منظور پیش‌بینی احساس تنهایی توسط زیرمقیاس‌های عشق

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig.
رگرسیون	۳۷۷/۵۷	۶	۶۲/۹۲	۱/۵۵	۰/۱۶۶
باقیمانده	۵۳۰۹/۹۰	۱۳۱	۴۰/۵۳		
کل	۵۶۸۷/۴۷	۱۳۷			

در جدول ۶ نتایج حاصل از ضرایب پیش‌بینی احساس تنهایی توسط زیرمقیاس‌های عشق نشان داده شده است. طبق نتایج به دست آمده ضریب زیرمقیاس استورگ توانسته پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی زنان باشد.

جدول ۶: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد پیش‌بینی احساس تنهایی براساس عشق

VIF	Sig.	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
				Std.error	B	
	۰/۰۰۰۱	۱۴/۹۸		۳/۱۶	۴۷/۴۳	ضریب ثابت
۱/۶۵	۰/۰۳۴	۲/۱۴	۰/۲۳۲	۰/۱۸۸	۰/۴۰۲	استورگ

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان متأهل سازمان حفاظت محیط زیست انجام شد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که فقط زیرمقیاس وابستگی (ناایمن-اجتنابی) از سری زیرمقیاس‌های سبک‌های دلبستگی، با احساس تنهایی رابطه معناداری داشته است و این بدان معنی است که زیرمقیاس سبک دلبستگی اجتنابی پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی در زنان است. این یافته را می‌توان با مطالعات خارجی همچون هادسون و وارد (۱۹۹۷) و دی توماسو (۲۰۰۳) و مطالعات داخلی امان‌اللهی و همکاران (۱۳۸۸)، معدنی‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۳) و نادری (۱۳۹۵) همسو دانست که در تمامی آن‌ها حداقل یکی از سبک‌های دلبستگی با احساس تنهایی رابطه معنادار داشته است. بسیاری از روان‌شناسان تحولی معتقدند که احساس اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره اولیه دلبستگی است، زمینه‌کنش روان‌شناختی سازگاران را در مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند. در همین راستا بالبی (۱۹۷۳) در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید داشت که ارتباطات اولیه دوران کودکی، سبک دلبستگی فرد را تشکیل می‌دهد و بر دیدگاه فرد درباره خود، دیگران و روش سازمان‌دهی ارتباطات میان فردی تأثیر می‌گذارد. بر طبق این نظریه تأثیر کیفیت دلبستگی در تمامی فراخنای عمر تداوم می‌یابد و تبیین‌کننده تفاوت‌های فردی در زمینه‌ی روش‌های مقابله‌ای با آزردهی‌های درونی و تنظیم روابط میان فردی است (هولمز، ۲۰۱۴). گرچه در نظریه بالبی دلبستگی و احساس تنهایی

مرتبط با یکدیگر در نظر گرفته نشده‌اند، برخی از پژوهشگران معتقدند نظریه دلبستگی می‌تواند برای بررسی شکل‌گیری احساس تنهایی در دوران کودکی چارجویی فراهم کند (برین، ۱۹۹۵). چنانچه مراقبت از کودک با حساسیت همراه نباشد، دلبستگی ناایمن در او شکل می‌گیرد و الگوهای عملی درونی او از دیگران به‌عنوان افرادی دست‌نیافتنی و اعتمادناپذیر خواهد بود. چنین کودکی خود را شایسته دریافت مراقبت توأم با حساسیت در نظر نمی‌گیرد. این ادراکات ناسالم مانع از شکل‌گیری روابط میان فردی حمایت‌کننده شده، کودک را در معرض خطر برخی مشکلات عاطفی-اجتماعی قرار می‌دهد که در کودکان تنها تجربه می‌شود. از آنجایی که سبک دلبستگی ایمن با حس درونی‌شده خود ارزشمندی، راحتی و صمیمیت در ارتباط نزدیک توصیف می‌شود؛ انتظار می‌رود افراد با سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افرادی که سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی، اضطرابی-دوسوگرا) دارند، احساس تنهایی کم‌تری نشان دهند. در میان گروه‌های دلبسته ناایمن، افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به دلیل انتظارات و توقعات منفی که از دیگران دارند، از برقراری رابطه نزدیک اجتناب می‌کنند، کم‌تر به افراد اعتماد کرده و به آن‌ها نزدیک نمی‌شوند، از گفتگوی صمیمی و عمیق با افراد گریزانند و در مجموع از دیگران اجتناب می‌کنند. در چنین شرایطی بدیهی است که تنهایی در چنین افرادی هر روز بیش از پیش پررنگ شده و بر تمام جنبه‌های زندگی سایه می‌افکند. مدت زمانی که فرد در تنهایی به سر می‌برد، تعیین‌کننده اساسی میزان تنهایی در او نیست، بلکه تهدید جدایی و کیفیت دلبستگی‌ای که در افراد ناایمن تجربه می‌شود، در احساس تنهایی نقش مهمی دارد که این موضوع با توجه به دیدگاه افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به خوبی قابل تبیین و پیش‌بینی است.

طبق نتایج به‌دست آمده در بررسی رابطه سبک‌های عشق با احساس تنهایی در زنان متأهل شاغل در سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز فقط زیرمقیاس استورگ رابطه معناداری با احساس تنهایی زنان داشته است. همچنین نتایج نشان داد که بین اکثر زیرمقیاس‌های عشق با هم رابطه معناداری وجود دارد و لذا می‌توان نتیجه گرفت سبک عشق استورگ می‌تواند پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی در زنان باشد. این یافته با مطالعات بیشتر پژوهشگران اعم از لاسی و همکاران (۲۰۰۴)، لوین و همکاران (۲۰۰۶)، امان‌اللهی و همکاران (۱۳۸۸) و امانی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد که در همه این پژوهش‌ها به این مورد اشاره شده است که

اکثر زیر مقیاس‌های عشق با هم رابطه معنادار دارد. روان‌شناسان، عشق را یک هیجان اساسی و مثبت معرفی می‌کنند، اما درباره مفهوم عشق و انواع آن اتفاق نظر ندارند. روان‌شناسان فرهنگی از جمله افرادی هستند که به مفهوم‌سازی عشق توجه کرده‌اند. فرهنگ نیز روی چگونگی تعریف افراد از عشق و چگونگی آمادگی آن‌ها برای تجربه عشق تأثیر می‌گذارد. در فرهنگ‌های فردگرا به میزان زیادی به عشق پرشور تأکید می‌شود، در حالیکه در فرهنگ‌های جمع‌گرا ازدواج‌ها به واسطه همکاری خانواده، بستگان و دوستان و بر اساس زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی مشابه انجام می‌شود که ممکن است ضرورتاً با عشق همراه نباشد. سبک عشق استورگ عبارت است از یک شیوه عشقی که استرس را پایین می‌آورد، اما محبت را عمیق و تعهد به وجود آمده در رابطه را بیشتر می‌کند. اغلب همانند دوستی دراز مدت است که اعتماد در طی زمان ساخته می‌شود و اصراری بر عشق ورزیدن نیست (فریگر و هانس، ۲۰۰۶). همان‌طور که از تعریف سبک عشق‌ورزی استورگ پیداست، در این نوع عشق، اصراری بر عشق ورزیدن نیست و رابطه به وجود آمده بیشتر تحت تأثیر یا تولیدکننده یک احساس دوستی عمیق است. چنین به نظر می‌رسد از آنجاکه در یک رابطه دراز مدت زناشویی عشق می‌بایست پررنگ‌ترین بخش و نقطه عطف زندگی باشد و چنانچه این عنصر در یک رابطه این چنینی آن‌طور که باید، خود را بروز ندهد، مشکلات چندی به همراه خواهد داشت. با توجه به یافته‌های این پژوهش، احساس تنهایی ره‌آورد جریان یافتن این نوع عشق در بین زوجین است. به‌رغم اینکه مهربانی، صمیمیت و تعهد (که از ویژگی‌های بارز عشق استورگ است) شرط لازم یک رابطه خوب و مثبت و پر هیجان و به دور از احساس تنهایی است، اما شرط کافی نیست. شاید ترکیبی از تمام انواع عشق‌های مطرح شده از سوی لی بتواند راهکار مفیدی در جهت گریز از احساس تنهایی حاصله از عشق سرشار از تعهد استورگ باشد.

در بررسی رابطه بین رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان متأهل شاغل در سازمان حفاظت محیط زیست نیز نشان داده شد که متغیر رضایت جنسی پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی زنان نیست و رابطه معناداری بین این دو مؤلفه وجود ندارد. به‌رغم اینکه انتظار می‌رفت، مؤلفه رضایت جنسی بتواند پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی باشد، این فرضیه اثبات نشده و رضایت جنسی نتوانسته احساس تنهایی را در زنان شاغل در سازمان حفاظت محیط زیست پیش‌بینی کند. این یافته را می‌توان با یافته‌ها و مطالعات صادقی

(۱۳۷۹)، یوسفی و جهانگیر (۱۳۹۵) و حسینی و لنگرودی (۱۳۹۶) مقایسه کرد که در تمامی آن‌ها اشاره‌ای به موضوع رضایت جنسی شده است. رابطه جنسی و اهمیت آن در زندگی زناشویی، بالاتر از یک رابطه فیزیکی و جسمی و نوعی انرژی است که افراد را برمی‌انگیزد تا عشق و عاطفه و صمیمیت را در میان خود به وجود آورند. این روابط در زندگی مشترک به همان میزان که جنسی و جسمی است، حسی نیز هست. یکی از متغیرهای مهم و مؤثر در رضایت جنسی، کیفیت و چگونگی ارتباط زوجین با یکدیگر است. بارینتوس (۲۰۰۶) معتقد است که از میزان رضایت جنسی زوجین می‌توان، به‌عنوان وسیله اندازه‌گیری تعاملات آن‌ها استفاده کرد (حجت پناه، ۱۳۹۲). در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که زنان جامعه مورد بررسی می‌توانند احساسات و عواطف خود را فارغ از مسائل جنسی و زناشویی دیده و بار عاطفی بر مسائل جنسی خود قرار ندهند. رسیدن به این دیدگاه و بینش می‌تواند کمک بزرگی به حل بسیاری از مشکلات و معضلات زناشویی کند؛ زیرا اگر زوجین، مشکلات و درگیری‌های عاطفی خود را وارد اتاق خواب و مسائل جنسی خود نکنند، به احتمال بیشتری از روابط جنسی خود لذت خواهند برد و این موضوع می‌تواند نقطه عطفی در روابط بسیار نزدیک زوجین مثل رابطه جنسی باشد. همچنین از آنجاکه بیش از نیمی از افراد جامعه مورد مطالعه، تحصیلات آکادمیک دکتری و کارشناسی ارشد داشته و احتمالاً از دانش و هوش هیجانی بالاتری بهره‌مند بوده‌اند، لذا بهتر و مثمر ثمرتر توانسته‌اند احساسات خود را از مسائل جنسی تفکیک کنند و رضایت جنسی نتوانسته پیش‌بین معناداری برای احساس تنهایی باشد. همچنین قریب به ۸۰ درصد حجم نمونه بین سنین ۲۰ - ۴۰ سال بوده که سن پویایی و فعالیت است و چنین به نظر می‌رسد افراد نمونه حاضر به‌خوبی توانسته‌اند هیجان‌اتی مانند میل و رضایت جنسی را با موارد دیگری جایگزین کنند. از نظر پژوهشگران این موضوع می‌تواند نقطه روشنی در بهبود سایر مؤلفه‌های صمیمیت و عدم احساس تنهایی در زوجین باشد.

در بیان جنبه‌های جدید و نوآوری این پژوهش، می‌توان گفت در پژوهش‌های قبل رابطه این چهار متغیر با هم بررسی نشده است؛ اما در پژوهش حاضر با توجه به پیشینه تئوریک، چهار متغیر جدید که پیش از این در کنار هم بررسی نشده بودند، مطالعه شد که نتایج نیز در نوع خود جالب توجه بوده است (به‌طور مثال به‌رغم فرضیه پژوهش، رضایت جنسی رابطه معناداری با مؤلفه احساس تنهایی در زنان نداشت). همچنین پژوهش‌های کمی در مورد دو

متغیر سبک‌های عشق و احساس تنهایی انجام شده که در این پژوهش سعی بر آن بود تا بیشتر به ماهیت این دو متغیر در زنان توجه شود. در پایان شایان ذکر است که نمونه این پژوهش (زنان متأهل سازمان حفاظت محیط زیست) نیز در نوع خود تازه بوده و چنین پژوهشی تاکنون با چنین ترکیب متغیری بر روی کارکنان سازمان‌ها انجام نشده بود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهش، عدم بررسی و تعیین کلیه شاخص‌های پیش‌بینی کننده احساس تنهایی اشاره کرد و از آنجاکه این پژوهش در سازمان حفاظت محیط زیست انجام شده است، قابلیت تعمیم به شهرها و استان‌های دیگر وجود ندارد. لذا با توجه به این محدودیت‌ها پیشنهاد می‌شود که این پژوهش مجدداً با حجم نمونه گسترده‌تری انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود ارگان‌های ذیربط تجربیات به دست آمده در این پژوهش و تحقیقات مشابه را مدنظر قرار داده و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای اجرای برنامه‌های مداخلاتی، اثربخشی و آموزشی مبتنی بر متغیرهای پیش‌بین احساس تنهایی در راستای کاهش این احساس در جامعه، در برنامه کاری خود لحاظ کنند. همچنین مشاوران و روان‌شناسان و تمامی همکاران در حوزه بهداشت روان می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های مرتبط و آگاهی دادن به افراد در خصوص بسیاری از مؤلفه‌ها و متغیرهای تأثیرگذار بر احساس تنهایی، کمک کنند تا افراد با شناخت بیشتر، در برابر این احساس منفی، با سرعت بیشتری دست به اقدام مناسب بزنند.

منابع

- امان‌اللهی، عباس، اصلانی، خالد، تشکر، هاجر، غوابش، سعاد و نکوئی، سمیه (۱۳۸۸). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۰ (۳): ۶۷-۸۶.
- امانی، احمد (۱۳۹۳). اثربخشی معنادرمانی به شیوه گروهی بر تاب‌آوری و احساس تنهایی دانشجویان دختر دارای نشانگان ضربه عشق. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۴۹ (۲): ۲۵-۱۲.
- بهرامی، نسیم (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه رضایت جنسی لارسون در زوجین. *مجله علوم پزشکی دانشگاه کرمان*، ۲۳ (۳): ۹۶-۷۴.
- بوسکالیا، لئو (۱۳۷۲). *زاده برای عشق*. ترجمه انصاری فر. تهران: البرز. چاپ دوم.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. رساله دکتری دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- جدیدی، محسن (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های دلبستگی، احساس تنهایی و نشخوار ذهنی در دانشجویان. *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۳: ۴۹-۳۲.
- حجت‌پناه، مینا و رنجبرکهن، زهره (۱۳۹۲). رابطه رضایت جنسی، رضایت زناشویی و رضایت زندگی زوجین. *مجله چشم‌انداز امین در روانشناسی کاربردی*، ۱ (۱): ۲۹-۱۲.
- حسینی، فخرالسادات و علوی لنگرودی، سید کاظم (۱۳۹۶). نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق ورزی. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۵ (۳): ۹-۸.
- شاه‌سیاه، مرضیه، بهرامی، فاطمه و مجیبی، سیامک (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۳): ۲۳۳-۲۳۸.
- صادقی، سعیده (۱۳۷۹). *ویژگی‌های شخصیتی تأثیرگذار بر رضایت زناشویی*. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

عسگری، پرویز (۱۳۸۸). راهنمای آزمون‌های روان‌شناختی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز. علی اکبری دهکردی، مهناز، مهمان نوازان، اشرف و کاکو جویباری، علی اصغر (۱۳۹۳). تأثیر سبک‌های دلبستگی، انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده بر میزان تاب‌آوری و رابطه آن با احساس غم غربت در میان دانشجویان مقیم خوابگاه دانشگاه الزهراء. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. ۱۲(۴): ۱۷۳-۲۰۴.

عیدی، خانجانی (۱۳۸۴). تأثیر سبک‌های دلبستگی بر میزان رضایت زناشویی در زوجین. *مجله روانشناسی*. ۶(۲): ۶۱-۷۵.

معذنی پور، کبری (۱۳۹۰). رابطه سبک دلبستگی و خوشبینی با احساس تنهایی در دانش‌آموزان ۹ الی ۱۲ ساله شهرستان کرج. *مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، ۳(۲): ۱-۱۰.

مهدی‌یار، فاطمه (۱۳۹۳). مقایسه سندرم آشیانه خالی در والدین، قبل و بعد از ترک منزل توسط فرزندان. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۱۵(۴): ۳-۱۷.

نادری، حبیب‌الله (۱۳۹۵). رابطه بین سبک‌های دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم. *مجله روانشناسی و روان‌پزشکی شناخت*. ۲(۶): ۱-۱۵.

نبی پور، افسانه (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های زناشویی بر افزایش رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

یوسفی، احمد و جهانگیر، پانته‌آ (۱۳۹۵). تأثیر آموزش و مشاوره در زمینه بهبود باورهای غیرمنطقی و احساس تنهایی بر روی دلزدگی زناشویی. *اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*.

Aikaterini, M. Juhee, K. Sunghuyup, S. H. and Xiao, X. F. (2018). The impact of brand authenticity on building brand love: an investigating of impression in memory and lifestyle-congruence. *International journal of Hospitality management*, 75: 38-47

Akdoğan, R. (2017). A model proposal on the relationships between loneliness, insecure attachment, and inferiority feelings. *Personality and Individual Differences*, 111, 19-24.

Ali akbari dehkordi, M. Mehman navazan, A. and Kako jooybari, A.A. (2014). The



effectiveness of attachment styles, adaptability and continuity on resiliency in family and their relationship with roving sadness in Alzahra University students. *Quarterly journal of woman's studies Sociological and Psychological*. 12 (4):173-204(Text in Persian).

Amani, A. (2014). The effectiveness of group semantic therapy on resiliency and loneliness of female students with love Trauma syndrome. *Journal of counseling research*. 49 (2): 12-25(Text in Persian).

Amanollahi, A. Aslani, Kh. Tashakkor, H. Ghavabesh, S. and Nekoei, S. (2009). The relationship between romantic attachment styles and love styles with marriage satisfaction. *Quarterly journal of woman's studies Sociological and Psychological*. 10 (3):67-86 (Text in Persian).

Anderson, C. A. (1999). Attributional style, depression, and loneliness: A cross-cultural comparison of American and Chinese students. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25(4): 482-499.

Asgari, P. (2009). *Psychological examination guide*. Ahvaz Azad University(Text in Persian).

Asher, S. R. & Paquette, J. A. (2003). Loneliness and peer relations in childhood. *Current Directions in Psychological Science*, 12(3): 75-78.

Bahrami, N. (2007). Validity and reliability of Larsson's sexual assistance test: Persian version in couples. *Kerman Medical University*. 23(3): 74-96(Text in Persian).

Belsky, J. and Nezworski, T. M. (Eds.). (2015). *Clinical implications of attachment*. Routledge.

Buscaglia, Leo. (1980). *Born for love*. Tehran. Alborz. Second edition(Text in Persian).

De Jong Gierveld, J., Van Tilburg, T. and Dykstra, P. (2016). *Loneliness and social isolation* .

DiTommaso, E., Fizell, S. R. and Robinson, B. A. (2015). 16 Chronic Loneliness within an Attachment Framework. Addressing Loneliness: Coping, *Prevention and Clinical Interventions*, 1: 241.

Eidi and Khanjani. (2005). The effectiveness of attachment styles on marriage satisfaction in couples. *Psychology magazine of Tabriz University*. 6 (2): 61-75(Text in Persian).

Fricker, J. and Moore, S. (2006). *Predicting infidelity: The role of attachment styles, love styles, and the Investment Model*. Swinburne University of Technology.

Goldberg, S., Muir, R. and Kerr, J. (Eds.). (2013). *Attachment theory: Social, developmental, and clinical perspectives*. Routledge.

Hendrick, S. S., Hendrick, C. (1987). Love and sexual attitudes, self-disclosure and sensation seeking. *Journal of Social and Personal Relationship*, 4: 281-297

Hojjat panah, M. and Ranjbar kohan, Z. (2013). The relationship between sexual

- satisfaction, marriage satisfaction with life satisfaction in couples. *Journal of Amin vision*. 1 (1): 12-29(Text in Persian).
- Holmes, J. (2014). *The search for the secure base: Attachment theory and psychotherapy*.
- Honari, B. and Saremi, A. A. (2015). The study of relationship between attachment styles and obsessive love styles. *Social and behavioral sciences*. 165: 152-159.
- Hosseini, F. Alavi Langroodi, K. (2017). The role of attachment styles and sexual satisfaction in marriage satisfaction due to loving. *Quarterly journal of woman's studies Sociological and Psychological*. 15 (3): 8-9(Text in Persian).
- Hudson, S. M. and Ward, T. (1997). Intimacy, loneliness, and attachment style in sexual offenders. *Journal of Interpersonal Violence*, 12(3): 323-339.
- Jadidi, M. (2014). Comparison of attachment styles, loneliness and rumination in students. *Quarterly journal of sports and youth strategic studies*. 23: 32-49(Text in Persian).
- Krasuski, T. Jędrzejczak, J. Rysz, A and Owczarek, K. (2018). Sexual satisfaction of patients after the resection focus. *Interdisciplinary Neurosurgery*. 13: 104-108.
- Lacey, R. S., Reifman, A., Scott, J. P., Harris, S. M. and Fitzpatrick, J. (2004). Sexual-moral attitudes, love styles, and mate selection. *Journal of sex research*, 41(2): 121-128.
- Lee, J. A. (1998). *Ideological of love style and sex style*. In V. C. deMunk (ED.), Romantic love and sexual behavior: Perspectives from the social sciences (pp. 33-76). Westport, Connecticut: Praeger.
- Lee, Y. and Ko, Y. G. (2017). Feeling lonely when not socially isolated: Social isolation moderates the association between loneliness and daily social interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 0265407517712902.
- Levine, T. R., Aune, K. S. and Park, H. S. (2006). Love styles and communication in relationships: Partner preferences, initiation, and intensification. *Communication Quarterly*, 54(4): 465-486.
- Lopez, A. M. and Soriano-Ayala E. (2014). Sexual satisfaction of alcoholic patients in rehabilitation. *Social and behavioral sciences*. 132: 142-147.
- Maadani poor, K. (2011). The relationship between attachment styles and optimism with loneliness in Karaj among 9-12 years old students. *Shenakht journal of Psychology and Psychiatry*. 3(2): 1-10(Text in Persian).
- Mahdi Yar, F. (2014). Comparison of empty nest syndrome in parents, before and after leaving home by children. *Knowledge and research in Applied Psychology*. 15 (4): 3-17(Text in Persian).
- Montgomery, M. J. and Sorell, G. T. (1997). Differences in love attitudes across family life stages. *Family Relations*, 55-61.
- Nabipoor, A. (2006). *The effectiveness of marriage skills teaching on increasing marriage satisfaction*. M.A Thesis. Roudehen Azad University(Text in Persian).



- Naderi, H. (2016). The relationship between attachment styles, self-concept and loneliness in high school students. *Shenakht journal of Psychology and Psychiatry*, 2 (6). 1-15(Text in Persian).
- Nichols, M. P. (2005). Concurrent discriminant validity of the Kansas marital satisfaction scale. *Journal of marriage and the family*, 48(2): 381-387.
- Pakdaman, Sh. (2001). *The relationship between attachment styles and Socialism in adolescence*. Ph.D. Thesis. University of Tehran(Text in Persian).
- Peplau, L. A. and Cutrona, C. E. (1980). The revised UCLA Loneliness Scale: Concurrent and discriminant validity evidence. *Journal of personality and social Psychology*, 39(3): 472-480.
- Perron, J. L., Cleverley, K. and Kidd, S. A. (2014). Resilience, loneliness, and psychological distress among homeless youth. *Archives of psychiatric nursing*, 28(4), 226-229.
- Rotenberg, K. J., Makdonald, K., Keltie, K., Jing, V. and Emily, F. (2004). The relationship between loneliness and interpersonal trust during childhood. *Journal of Genetic Psychology*, 6, 16-20.
- Sadeghi, S. (2000). The effective characters on marriage satisfaction. Psychology Ph.D. Thesis. *Iran University of Medical Sciences*(Text in Persian).
- ShahSiah, M., Bahrami, F. and Mohebi., S. (2009). The relationship between sexual satisfaction and marital commitment in Shahreza couples. *Journal of fundamentals of mental health*, 11(3):233-238(Text in Persian).
- Stickley, A., Koyanagi, A., Kuposov, R., Schwab-Stone, M., & Ruchkin, V. (2014). Loneliness and health risk behaviours among Russian and US adolescents: a cross-sectional study. *BMC public health*, 14(1):366.
- Tough, H. Brinkhof, M. W. G. Siegrist, J. and Fekete, C. (2018). The impact of loneliness and relationship quality on life satisfaction: A longitudinal dyadic analysis in persons with physical disabilities and their parents. *Journal of psychosomatic research*, 110: 61-67
- Utz, R. L., Swenson, K. L., Caserta, M., Lund, D. and DeVries, B. (2013). Feeling lonely versus being alone: loneliness and social support among recently bereaved persons. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 69(1): 85-94.
- Van Baarsen, B., Snijders, T. A., Smit, J. H. and Van Duijn, M. A. (2001). Lonely but not alone: Emotional isolation and social isolation as two distinct dimensions of loneliness in older people. *Educational and Psychological Measurement*, 61(1): 119-135.
- Wong, N. M., Yeung, P. P. and Lee, T. M. (2016). A developmental social neuroscience model for understanding loneliness in adolescence. *Social neuroscience*, 1-10.
- Yousefi, A., Jahangir, P. (2016). The effectiveness of improving irrational beliefs

and loneliness on marriage boredom by teaching and consulting. *First International Conference on Psychology and Social Sciences*(Text in Persian).
Zeigler-Hill, V., Britton, M., Holden, C. J. and Besser, A. (2015). How will I love you? Self-esteem instability moderates the association between self-esteem level and romantic love styles. *Self and Identity*, 14(1): 118-134.



The relationship between attachment styles, love and sexual satisfaction with loneliness in women

Yasaman Damirchi¹
Afshin Salahyan²

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between attachment styles, love and sexual satisfaction with loneliness in married women at the Department of Environment. In this descriptive-analytic project, 180 employees of married women working in the Department of Environment were selected by single stage cluster sampling, were asked questions based on Collins and Reid's Adult attachment style tests (1990), Love Attitude Scale (1986), Larsson's Sexual Assistance Test (1998) and Russell's adult loneliness scale (1980). Data were analyzed using descriptive statistical methods (mean, standard deviation) and inferential (Pearson correlation and multivariate regression) and SPSS software. V (23) was analyzed. The results of data analysis showed that there was a significant relationship between avoidance attachment style and loneliness, among attachment styles ($P < 0/05$). Moreover, Storge's love style was also significantly related to loneliness, and both variables had a significant prediction of loneliness in women. However, sexual satisfaction did not have a meaningful relationship with loneliness and was not a significant predictor of loneliness. These findings support the need to focus on attachment and love with loneliness.

Keywords

Attachment style, Love style, Sexual satisfaction, Loneliness, Women

1. Psychology M.D, Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Submit Date: 2017-11-18

Accept Date: 2018-05-01

DOI: 10. 22051/jwsps. 2018. 18129. 1603